

غلامرضا تدینی راد نمی دانم با چه رویی در چشم هایش نگاه کنم. دوست دارم دستش را ببوسم و بایا صدایش کنم اما... بچه که بودم پدرم را از دست دادم. بعد از مرگ او، مادرم با خانواده پدر بزرگم مشکل پیدا کرد. آن ها گیر می دادند و برایش خط و نشان می کشیدند که باید طبق نظر آن ها رفتار کند. درغیراین صورت چنین می کنند و چنان.

البته مادرم هم کوتاه نمی آمد و با حساسیتی که در باره من و برادرم داشت، می گفت که اجازه نمی دهم کسی به ما نازک تر از گل بگوید. با این اوضاع رفت و آمد ما با خانواده پدرم کم کم قطع شد. چند سال از این ماجرا گذشته بود که برای مادرم خواستگار آمد. او از تنهایی و بی پناهی خسته شده بود و به همین دلیل بعد از مشورت با من و دایمی ام به خواستگارش پاسخ مثبت داد. از اینکه می دیدم مادرم سروسامان گرفته و خوشحال است، من هم خوشحال بودم، اما در این میان عمه هایم چشم دیدن خوشحالی ما را نداشتند و درباره ناپدیری ام حرف هایی می زدند که موجب شد رفته رفته به همسر مادرم بدبین شوم.

آن ها می گفتند که ناپدیری ات سال ها قبل خواستگار مادرت بوده و دوباره برای ازدواج یا پیش گذاشته است. تکرار این جمله که چطور یک مرد دیگر می خواهد جای خالی پدرم را پر کند و تو اگر غیرت داشتی نمی گذاشتی آب خوش از گلویشان پایین برود، عصبانی ام می کرد.

موضوع را بادایمی و مادرم در میان گذاشتم و آن ها صادقانه برایم توضیح دادند که سال ها قبل ناپدیری ام به خواستگاری مادرم آمده است، اما مادرم جواب رد داده است. حالا هم با توجه به اینکه همسرش را از دست داده، دوباره به خواستگاری آمده و این ازدواج شکل گرفته است.

با اینکه به حرف های مادرم باور داشتم، اما نمی دانم چه شد که با او و همسرش سر ناسازگاری برداشتم. لج بازی می کردم و روی حرفشان حرف می زدم و اعصاب مادرم و ناپدیری ام را حسابی به هم ریخته بودم. بعد از سربازی از آن ها جدا شدم و از شهرستان به مشهد آمدم و در یک کار گاه مشغول کار شدم.

کم کم پایم به خانه مجردی یکی از دوستانم باز شد، رفیق بساط دود و دمش شدم. تا به خودم آمدم دیدم به تریاک اعتیاد شدید پیدا کرده ام. مصرفم زیاد بود و دیگر برایم مهم نبود که چه موادی مصرف می کنم. هرچه به دستم می آمد می کشیدم. از کار هم بیکار شدم و هزینه تأمین مواد را نداشتم و برای همین شروع کردم به سرقت از خودروها. در این میان در یکی از سرقت ها شناسایی و دستگیر شدم.

راهی نداشتم، برای همین با مادرم تماس گرفتم. اوبه همراه ناپدیری ام راهی مشهد شدند و پیگیر کارم و رضایت گرفتن از شاکی ام شدند. ناپدیری ام می گفت که هرطور شده رضایت شاکی پرونده ام را می گیرد. تازه فهمیدم که او چقدر خیر خواه من است و برادر کوچکم را همچون فرزند خودش دوست دارد. نمی دانم با چه رویی در چشم های مادرم و ناپدیری ام نگاه کنم. وقتی دیدم که چطور با یاد دغه پیگیر کارهایم است و مهر بانانه با من برخورد می کند، دوست داشتم دستش را ببوسم و بگویم که اشتباه کردم. من سر هیچ، با او و مادرم دشمنی کردم. امیدوارم بتوانم مواد را کنار بگذارم و به زندگی ام بازگردم.

سارا قربان زاده، یکی از مدرسان مهارت های زندگی، درباره این پرونده می گوید: سوگ از دست دادن یکی از والدین در سنین کودکی، از اتفاق های بسیار ناگوار برای کودکان است و اگر مراحل سوگ به درستی طی نشود، می تواند اثرات منفی بر شخصیت و خلق فرزند بگذارد. در این ماجرا هم ما با پسری روبه رو هستیم که در سنین کم پدرش را از دست داده است و حالا به دلیل مسائل خانوادگی در تله رهاشدگی گرفتار شده و علاوه براین، اعتماد به نفس خود را از دست داده است. کار به جایی کشیده که او حتی خانواده را ترک کرده و گرایش به دوستی با افراد ناباب نشان داده و به دام اعتیاد کشیده شده است.

قربان زاده بیان می کند: ضعف در تصمیم گیری و نداشتن قدرت، نه، گفتن، از موضوعاتی است که درباره این پسر جوان باید با تمرین و آموزش برطرف شود. راهی که می توان پیش پای این جوان قرار داد، این است که ابتدا باید تله های او بررسی و روی همین تله ها کار شود. با توجه به اینکه او در حال حاضر پشیمان است و انگیزه قوی برای تغییر دارد، باید کمک کرد زندگی اش را هدف دار کند، هدف های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت برای خودش ترسیم کند تا دوباره بتواند ارتباطش را با خانواده مادری، مادر، ناپدیری، دایی، خاله و دیگر بستگانش برقرار کند.

آتش سوزی یک نفت کش در سواحل مالزی

ایرنا| یک نفت کش در سواحل جنوبی مالزی طعمه حریق شده است و سه نفر از خدمه اش همچنان مفقود هستند. تلاش های نیروهای امدادی برای یافتن مفقودان این حادثه همچنان ادامه دارد. به گفته مقامات مالزی، این حادثه در جریان سفر این کشتی از چین به سنگاپور رخ داده است. همچنین این کشتی پرچم کشور گائرن را داشته است. یک مقام مالزیایی اعلام کرده است که دو کشتی و یک قایق ۲۵ نفر از خدمه این کشتی رانجات داده اند، با این حال سه تن همچنان مفقود هستند. تحقیقات برای تعیین علت وقوع این حادثه آغاز شده است.

سقوط مرگ بار هواپیمای آمریکایی

ایسنا| مقامات ایالتی آمریکا اعلام کردند که در پی سقوط یک فروند هواپیمای سبک در منطقه مسکونی «بیگ بر» در کالیفرنیا سه نفر کشته شده اند. شاهدان محلی اعلام کرده اند که سقوط این هواپیما صدای مهیبی ایجاد کرده است. تصویری که اداره آتش نشانی ایالتی از این حادثه منتشر کرده، هواپیمای متلاشی شده را در محل سقوطش نشان می دهد. تاکنون گزارشی درباره علت سقوط این هواپیمای سبک منتشر نشده است. همچنین شنبه گذشته در سانحه سقوط یک هواپیمای تک موتوره در لس آنجلس یک نفر جان خود را از دست داد.

مرگ ۶ آمریکایی در طوفان شن

مهر| طوفان شن در آمریکا شش کشته و سی زخمی برجای گذاشت که حال برخی از مجروحان وخیم اعلام شده است. افراد جان باخته بر اثر تصادف در یک بزرگراه کشته شده اند. به گفته پلیس، طوفان شن همچنین باعث مسدود شدن و گیر افتادن نود وسیله نقلیه در یک بزرگراه شده است و دو کامیون نیمه تریلی تراکتوری در نتیجه تصادفات آتش گرفته اند. همچنین بیش از سی نفر با جراحات جزئی تا جدی و خطرناک به بیمارستان منتقل شده اند.

چه کسی مادر بزرگ را کشت؟

ماجرای مرموز قتل یک زن سالخورده در خانه اش که قاتل طلاهایش را دزدیده است



تصویر محل وقوع جرم



مرد همسایه ابتدا بدون توجه از کنار این فرد می گذرد، اما دوباره به سمت او آمده و علت حضورش را پرسیده است که فرد مشکوک خود را از آشناهای مقتول معرفی می کند.

البته تحرکات دیگری نیز در این مجتمع مسکونی از چشم همسایه ها دور نمانده بود که همین موضوع سرنخی برای این پرونده پیچیده شد.

دستور پیگیری پرونده برای شناسایی متهم یا متهمان این پرونده جنایی از سوی قاضی صفری صادر شده و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد. نتیجه این پرونده به زودی در روزهای آینده در همین صفحه منتشر خواهد شد.

غار ی سه متری که داخل یک کانال آب بزرگ حفر کرده بوده، در زیر خاک پنهان می کرده است و برای اینکه محل جلب توجه نکند، ورودی آن را با خوار و خاشاک می پوشانده است! به گفته پلیس مشهد، در بازرسی از محل اختفای این متهم، مقادیر زیادی اموال مسروقه شامل دستگاه جوش، دستگاه دلر، سنگ فرز، ظروف آشپزخانه و مقادیر زیادی خواروبار شامل قند، روغن و برنج هم کشف می شود. در ادامه تحقیقات هم مشخص می شود که قسمتی از اموال مسروقه را برای تأمین هزینه های مواد مخدر به دو ضایعاتی و یک سمساری در محدوده شهرک رجایی می فروخته است. سرهنگ نگهبان ادامه می دهد: عوامل انتظامی با کسب مجوزهای لازم قضایی افراد مال خر را دستگیر و قسمتی از اموال مسروقه را که هنوز مال خران نفروخته بودند، کشف می کنند. این متهم پس از تشکیل پرونده برای کشف دیگر جرائم احتمالی به پایگاه جنوب پلیس آگاهی مشهد منتقل می شود.

واژگونی تانکر بنزین در جاده

سنگین پس از انحراف از مسیر اصلی، در شانه خاکی جاده واژگون می شود. ابوالفضل اسدی افزود: با اعلام این حادثه به سامانه ۱۲۵، بلافاصله سه گروه از آتش نشانان ایستگاه های یک، ۳ و ۵ نیشابور به همراه خودرو فوماتیک برای پشتیبانی به محل حادثه اعزام شدند. مأموران ضمن ایمن سازی میدانی از حریق و انفجار احتمالی تانکر سوخت، جلوگیری کردند. علاوه بر این، خوشبختانه حادثه خسارت جانی نداشته است.

صداسویما| یک دستگاه خودرو تریلی حامل ۲۷ هزار لیتر بنزین در مسیر نیشابور به مشهد دچار حادثه شده و واژگون شد. سرپرست سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرستان نیشابور در تشریح جزئیات این حادثه، گفت: تانکر سوخت واژگون شده، از اراک بنزین را بارگیری و به سمت مشهد در حرکت بوده است که در کمربندی ۷۶ متری امام رضا^(ع) نیشابور به علت بارندگی و لغزنده بودن سطح جاده، کنترل تریلی از دست راننده خارج می شود و این خودرو

بیمار شصت و پنج ساله مرگی که از بیمارستان حکیم نیشابور به واحد فراهم آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه مشهد معرفی شده بود، پس از دریافت رضایت خانواده اش تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت. دکتر خالقی بیان کرد: قرنیه های زنده یاد غلامرضا محمدیان داغی برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال شد. همچنین قسمتی از پوست مرحوم محمدیان داغی برای پیوند به بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا^(ع) مشهد ارسال شد.

سیرجانی| اهدای اعضای بیمار مرگ مرگی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، موجب نجات و ادامه زندگی سه بیمار نیازمند به عضو شد. مسئول واحد فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در تشریح جزئیات این خبر گفت: روز گذشته هزار و سیصد و هفتمین عمل اهدای عضو در بیمارستان منتصریه مشهد با موفقیت انجام شد. دکتر ابراهیم خالقی افزود: در این عمل جراحی، غلامرضا محمدیان داغی،

سینه نحیف اونمایان بود که معاینات تخصصی و کبودی دور گردن مقتول، نشان از خفگی او توسط قاتل داشت.

با وجود دو النگو سنگین در دستش، به گفته فرزندانش، طلاهای زیادی شامل چندین النگو و گردن بند نیز به سرقت رفته بود اما اینکه چرا دو النگو به جامانده است، معمایی در این پرونده جنایی بود.

یک روز در میان به او سر می زدیم مقتول چهار پسر و سه دختر تنی داشت، اما زمانی با همسرش ازدواج کرده بود که او نیز سه پسر و یک دختر از ازدواج قبلی اش داشت. به این ترتیب نفراتی که به این خانه رفت و آمد می کردند با احتساب عروس ها و نوه ها به بیش از بیست نفر می رسید.

تحقیقات بعدی از فرزندان نشان داد که آن ها چهار ماه پیش، مادرشان را از خانه قدیمی اش واقع در خواجه ربیع به این مکان منتقل کرده بودند، موضوعی که بارها موجب اعتراض پیرزن قرار گرفته بود و حتی قسمتی از طلاهایش را از او گرفته بودند که خطری برایش ایجاد نشود.

فرزندان مقتول مدعی بودند که چندی پیش برای مادرشان پرستار گرفته اند، اما به علت ناسازگاری با پرستار مجبور شده اند عذرش را بخواهند. همچنین فرزندان و نوه هایش یک روز در میان به خانه پیرزن سرزده و کارهای روزانه اش را انجام می داده اند و تقریبا همه اطرافیان کلید خانه را داشته اند و آن هایی هم که بدون کلید بوده اند، بعد از زدن به پنجره ای که تقریبا همیشه باز بوده است، از خود پیرزن کلید گرفته و وارد خانه می شده اند.

محمدجواد ابوعطا

همه می دانستند که

پیرزن طلای زیادی دارد. طلاهایی که در نهایت منجر به قتلش شد و قاتل بی رحم، بخش زیادی از آن ها را به سرقت برده بود و فقط دو النگو، به جا گذاشته بود.

ماجرای قتل پیرزن، شامگاه دوشنبه به بازپرس ویژه جنایی گزارش شد و قاضی صادق صفری به همراه کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به محل وقوع جنایت، واقع در بولوار سرافرازان در یک مجتمع مسکونی رفتند.

با ورود گروه جنایی به محل مشخص شد که پیرزنی تنها در یک آپارتمان زندگی می کرده است. بررسی های بعدی نشان داد پیرزن که توانایی راه رفتن نداشته همیشه روی تختش می نشسته است. تخت مقتول هم زیر پنجره قرار داشت و روبه روی آن پخچالی قدیمی بود. فرزندانش میزی کوچک را برای اینکه مادرشان گوشی همراه، دارو ها و لوازمش را در دسترس داشته باشد، کنار تخت او گذاشته بودند. این مادر بزرگ حتی برای قضای حاجت نیز توانایی ترک تختش را نداشته است. آخرین باری که این زن کههن سال خانه را ترک کرده بود مربوط به ایام عید بوده که یکی از فرزنداناش اعلام کرد او را با ویلچر به محوطه این مجتمع مسکونی برده بودند.

● قتل تاسف برانگیزی روی تخت آثار ضربات عمیق قاقو در حالی روی

لیلا کوچک زاده

فقط دو ماه از آزادی اش از زندان مرکزی مشهد می گذرد. یک معتاد بی خانمان که سابقه دار هم هست، کجا را بعد از راهیابی از بند می تواند برای زندگی انتخاب کند و به چه کاری می تواند مشغول شود؟

پس ترجیح می دهد داخل کانال آب در گوشه ای از مزارع کشاورزی شهرک طرق، جایی شبیه به غار برای خودش دست و پا کند. جایی نزدیک به کارگاه های خودروهای سنگین و تعمیرگاه. اما برای مخارج اعتیادش به پول نیاز دارد. طرق را به خوبی می شناسد و بارها از این محدوده سرقت کرده است. برای جابه جایی اموال مسروقه، موتورسیکلت یکی از دوستانش را که خرده فروش مواد مخدر است، قرض می گیرد و شروع می کند به پرسه زنی در سطح شهرک طرق. روزها منازل خالی را شناسایی می کند و شبانه دخل وسایل خانه ها را می آورد، از اسباب و اثاثیه گرفته تا مواد غذایی. اما خیلی زود پلیس ردش

خبر

نجات زندگی توسط هزار و سیصد و هفتمین نفر

سیرجانی| اهدای اعضای بیمار مرگ

مرگی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، موجب نجات و ادامه زندگی سه بیمار نیازمند به عضو شد.

مسئول واحد فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در تشریح جزئیات این خبر گفت: روز گذشته هزار و سیصد و هفتمین عمل اهدای عضو در بیمارستان منتصریه مشهد با موفقیت انجام شد. دکتر ابراهیم خالقی افزود: در این عمل جراحی، غلامرضا محمدیان داغی،

جدول ۳۷۴۴											
ماشین و لوازم نقلیه	صافی	رطوبت حرف عصایی	شیطان بزرگ	سده قبیله	پس از یک کلمه	ابزارنجاری واسطه	زمن وزن	پیش از یک کلمه	پس از یک کلمه	زمن وزن	پیش از یک کلمه
سازمان	سرزنشگر	عصایی	چراغ نفتی	صدراسلام	پرسش	مقاوم	شیره	چغندر قند	شیره	چغندر قند	شیره
زبانوی در شهر صدر و اوزه			رودی در خوزستان ورا	قفسه	مهندسی	کیف	ثالث	بی قانون	ثالث	بی قانون	ثالث
افسانه			تکان عصیی سازوکار	دوتن از پادشاهان هخامنشی	قفسه	ایستاده اندک	نیدیرفتن	آکاستیو	نیدیرفتن	آکاستیو	نیدیرفتن
جسد					مشابه	شهرداری	بادام				بادام
زنگارنگی	نوعی زغالسنگ نوشین						دنیامدن	ناشناوا	فرزند	فرزند	درس دهنده
موی مجمل											
چوب خردو											
اسرار											
سریر											
پسوند											
گرفتن											